

## **Philosophical Analysis of the Role of Monotheism in the Insights, Attitudes and Behavioral Virtues of the Family Institution**

Taghi Mohadder\*

### **Abstract**

One of the key questions of moral philosophy is what is the origin and origin of moral virtues. This article claims that the moral value of all the acquired traits and voluntary behaviors of human beings in the various fields of vision, orientation and behavior is monotheistic. Thus pure monotheism requires that one behaves at the level of insight and belief, as well as at the tendency and heart stage, and ultimately at the level of behavior based on pure monotheism and away from any idolatry. This paper seeks to explain the role of monotheism in the insights, attitudes, and behaviors of the family institution by a descriptive-analytic method, while philosophically explaining the origin of monotheism for moral virtues. The result of this study is that based on pure monotheism, the family is ethically institutionalized and based on insight on the principle of value and ethical equality of family members and on the level of tendency on the principle of love and kindness. Piety and the spirit of worship are in the family.

### **Keywords**

monotheism, family, insights, attitudes, behavioral virtues.



## تحلیل فلسفی نقش توحید در فضایل بینشی، گرایشی و رفتاری در نهاد خانواده

تقی محدر \*

### چکیده

یکی از سؤالات مهم و کلیدی فلسفه اخلاق این است که منشأ و مبدأ فضایل اخلاقی چیست. ادعای این مقاله آن است که ارزش اخلاقی برای همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری انسان در عرصه‌های گوناگون بینشی، گرایشی و رفتاری توحید است. بنابراین توحید خالص مستلزم آن است که فرد در مرتبه بینش و اعتقادی و هم‌چنین در مرحله گرایش و قلبی، و نهایتاً در مرتبه رفتار بر اساس توحید خالص و به دور از هرگونه شرک سلوک کند. این نوشتار درصدد آن است که با روش توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین فلسفی از مبدئیت توحید برای فضایل اخلاقی، نقش توحید در فضایل بینشی، گرایشی و رفتاری در نهاد خانواده را تبیین کند. نتیجه این پژوهش آن است که بر اساس توحید خالص خانواده نهادی اخلاقی است و بنیان آن در سطح بینشی بر اصل برابری ارزشی و اخلاقی افراد خانواده و در سطح گرایشی بر اصل محبت و مودت پایه‌گذاری می‌شود و انجام وظایف اخلاقی در محیط خانواده نشان‌گر وجود ایمان و تقوا و روح عبودیت در افراد خانواده است.

\* پژوهشگر، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع.ج.ا.ع)



## کلید واژه‌ها

توحید، خانواده، فضایل بینشی، فضایل گرایشی، فضایل رفتاری.

### مقدمه

اهمیت اخلاق و تزکیه نفس بر کسی پوشیده نیست و تهذیب نفوس انسانی همواره یکی از دل‌مشغولی‌های انسان بوده و هست. این فضایل و ارزش‌های اخلاقی هستند که با اتکا بر جهان‌بینی و مسائل اعتقادی، اهداف انسانی را تعیین می‌کنند و به زندگی انسان معنا می‌بخشند. به همین دلیل پرورش ارزش‌های اخلاقی مردمان و تزکیه و تهذیب آنان از جمله اصلی‌ترین اهداف برانگیختن پیامبران و فرستادن پیام‌های آسمانی است. در عظمت اخلاق همین بس که خداوند پیامبر خود را به عظمت اخلاقی می‌ستاید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛ و راستی که تو را خوبی والا است! (قلم: ۴) بنابراین از راه کار اصلاح انسان‌ها و جوامع مختلف و نجات آن‌ها از مشکلات و مفسدات اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی، سیاسی و ... ترویج فضایل و ارزش‌های اخلاقی و دعوت انسان‌ها به آراسته‌شدن به این فضایل در محیط خانواده می‌باشد.

خانواده اولین و مهم‌ترین نهادی است که نیازهای اساسی انسان را تأمین می‌کند. به طور کلی نیازهای افراد به یکدیگر را به دو دسته عمده می‌توان تقسیم کرد. دسته اول از نیازها، نیاز انسان در اصل وجود و پیدایش به دیگران است، مثل نیازی که فرزند برای تولد به پدر و مادر دارد. اما دسته دوم نیازها، نیاز انسان به دیگران در دوران زندگی خویش است. نیازهای دسته دوم خود به دو بخش قابل تقسیم است: نیازهایی که فرد به طور مستقیم به فرد دیگر دارد، مثل نیازی که فرزند برای شیرخوردن یا نوازش و پرستاری به مادر دارد.

دسته دوم نیازهایی هست که با مشارکت دیگران و به وسیله اشیاء دیگر تأمین می‌شوند. این قسم نیازها خود دو دسته هستند: بخشی از این نیازها به واسطه



بهره‌مندی از مواهب طبیعی تأمین می‌شود، اما برای استفاده بهتر از آن‌ها لازم است انسان‌ها با یکدیگر همکاری کنند. بخش دوم نیازها و کمالات معنوی هست که این نوع نیازها در جامعه و با کمک افراد دیگر تأمین می‌شود. بنابراین با توجه به تنوع نیازهای انسان می‌توان گفت که اصیل‌ترین نیازهای انسان در محیط خانواده تأمین می‌شود؛ زیرا از سویی فرزندان نیاز تکوینی و مستقیم خود را فقط از طریق پدر و مادر تأمین می‌کنند و از سویی دیگر زن و شوهر نیز انواع نیازهای جنسی، عاطفی، معنوی و تعالی اخلاقی خویش را به وسیله یکدیگر تأمین می‌کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۳: ص ۵۶-۵۵)

خانواده نهادی است که هدف آن علاوه بر تأمین نیازهای جنسی زن و شوهر، پیدایش آرامش روانی میان همسران، پیدایش مودت و رحمت و عواطف میان همسران، تأمین نیاز انسان به داشتن فرزند و تکثیر نسل‌ها می‌باشد. (همو، ۱۳۸۸، «ب»، ج ۵: ص ۳۱۲-۳۰۹) بنابراین پیدا کردن منشأ فضایل اخلاقی در نهاد خانواده اهمیت دو چندان دارد و مکاتب مختلف اخلاقی همواره سعی کرده‌اند به این پرسش اساسی پاسخ دهند.

بحث از منشأ و مبدأ فضایل اخلاقی پیشینه‌ای طولانی دارد. به طور کلی بحث از فضایل و رذایل اخلاقی ریشه در آموزه‌های ادیان الهی دارد. در مغرب زمین این بحث همانند خیلی از مباحث دیگر ریشه در یونان باستان دارد. بر اساس نگاه توحیدی خداوند به لحاظ هستی‌شناسی محور فضایل اخلاقی است. از سوی دیگر فضایل به عنوان امری که در درون انسان تحقق پیدا می‌کند، طبعاً ناشی از ویژگی‌های درونی خود فرد است و مبدأ آن اعتقاد به خدای یگانه است. بر این اساس توحید - که همان یکتا دانستن خداوند است - باوری قلبی است که با اختیار حاصل می‌شود و معرفت شرط آن است و آثار و لوازم آن، به اعتقادات درونی محدود نمی‌شود، بلکه خود را در گرایش‌ها و نهایتاً در رفتارهای انسان در عرصه‌های مختلف زندگی نشان می‌دهد.



بدین ترتیب، می‌توان گفت آنچه موجب ارزش اخلاقی برای همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری انسان در عرصه‌های گوناگون زندگی انسان از جمله خانواده می‌شود، توحید است؛ و به عبارت دیگر اساس ارزش‌ها به رابطه انسان با خدا برمی‌گردد؛ و ما از این امر، به منشأ بودن توحید برای ارزش‌های اخلاقی یا منشأ بودن آن برای فضائل اخلاقی تعبیر می‌کنیم.

اما در خصوص فضایل اخلاقی در نهاد خانواده برخی از نویسندگان از جمله آیت الله مظاهری در *اخلاق در خانواده*، محمد نجفی یزدی در *روابط زن و مرد یا اخلاق در خانواده*، جمعی از نویسندگان به کوشش زهرا آیت‌اللهی در *اخلاق خانواده*، و ... آثار ارزشمندی را ارائه کرده‌اند؛ اما در هیچ کتاب یا مقاله مستقلی به نقش توحید در فضایل بینشی، گرایشی و رفتاری در نهاد خانواده پرداخته نشده است. بر این اساس سؤال اصلی این پژوهش آن است که توحید چگونه منشأ فضایل اخلاقی است؟

سؤالات فرعی این تحقیق آن است که بر اساس نگاه توحیدی چگونه می‌توان فضایل بینشی، گرایشی و رفتاری مرتبط با خانواده را تبیین کرد؟ فرضیه اصلی این پژوهش آن است که توحید اساس و مبنای تمام رفتارهای اختیاری انسان در تمام حوزه‌ها از جمله نهاد خانواده می‌باشد. توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به همه هستی و زندگی انسان، هدف‌دار و معنا دار باشد. باور به خدا، همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به سوی کسب رضایت خداوند، سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود و حتی از رگ گردن به خود نزدیک‌تر می‌بیند، تلاش می‌کند در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی، رضایت او را جلب نماید. این نوشتار بر آن است که با روش توصیفی - تحلیلی ضمن اثبات مبدئیت توحید برای فضایل اخلاقی، نقش توحید در فضایل بینشی، گرایشی و رفتاری در خانواده را تبیین کند.



## جایگاه اخلاقی خانواده در جهان‌بینی توحیدی

از آن جایی که هدف این مقاله تبیین نقش توحید در فضایل اخلاقی مرتبط با خانواده است باید گفت که در نگاه توحیدی از آن جایی که هدف و غایت نهایی بشر رسیدن به توحید از طریق فضایل اخلاقی است، خانواده نقش بی‌بدیلی را در رسیدن انسان به این هدف ایفاء می‌کند. رسیدن به این هدف زمانی برای انسان ممکن است که انسان از پيله خودبینی و خودپرستی خارج شود و فرهنگ مهرورزی و دوست داشتن را یاد بگیرد. در جهان‌بینی توحیدی و الهی، خانواده اولین و مهم‌ترین نهادی است که این حصارهای خودیت شکسته می‌شود و انسانی که تا قبل از ازدواج به صورت تنها و مجرد زندگی می‌کرد و کمتر در قبال دیگران احساس مسئولیت می‌کرد؛ با ازدواج و تشکیل خانواده از حصار خود بیرون می‌آید و تبدیل به ما می‌شود. انسان با ازدواج و انتخاب همسر، خود را در قبال اعضای خانواده از جمله همسر، فرزندان، خانواده همسر مسئول می‌داند و همین امر زمینه را برای رشد و تعالی اخلاقی انسان فراهم می‌کند. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱۴: ص ۳۳۷)

بنابراین برخلاف مکاتب مادی که صرفاً نگاه مادی به ازدواج دارند و خانواده را محلی برای ارضاء غرایز جنسی می‌دانند، در نگاه توحیدی ازدواج و تشکیل خانواده، جایگاه اخلاقی دارد که بر اساس آن زن و شوهر مکمل هم هستند و اساساً دوست داشتن زن و فرزند از نشانه‌های ایمان می‌باشد. از سوی دیگر خانواده نقش زیاد و مؤثری در تکامل اخلاقی فرد و جامعه دارد، به همین خاطر اسلام ضمن بیان معیارهای اخلاقی برای انتخاب همسر، همگان را به ازدواج تشویق کرده و از طلاق و زندگی مجردی نفی کرده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۲۱-۳۲۰)

از طرف دیگر چون خانواده در نگاه توحیدی نهادی اخلاقی است، اسلام توصیه‌های اخلاقی فراوانی در انتخاب همسر دارد و ملاک‌هایی مثل، ایمان، عفت و حیا، کرامت اصل و نسب، عقل و ادب و... را به عنوان معیارهای انتخاب همسر بیان می‌کند و از ازدواج به خاطر پول و ثروت یا انتخاب همسر صرفاً به خاطر زیبایی ظاهری نهی می‌کند. (همان: ص ۳۲۵-۳۲۴)



بر این اساس در نگاه توحیدی خانواده نهادی اخلاقی است که زن و مرد در تکوّن آن سهمی یکسان دارند. در این نگاه زن و مرد ارزش اخلاقی برابری دارند و همین برابری ارزشی سبب تکالیف اخلاقی متقابل می‌شود. اما برخلاف نگاه توحیدی در سنت فلسفی غرب، دیدگاه‌های فراوانی وجود دارد که جایگاه فروتری برای زنان نسبت به مردان قائل هستند. به عنوان مثال فیثاغورث معتقد بود که مرد از اصل خوب و زن از اصلی بد آفریده شده است. ارسطو به صراحت وظایف و نقش‌های زنانه را کم‌ارزش می‌دانست. در دوره یونانی‌مآبی معنای اصلی اخلاق فضیلت مردانگی و مذکرمحوری است. در دوره رنسانس افرادی مثل بیکن، جان لاک، کانت، روسو و... اندیشه برتری قوای عقلانی بر قوای طبیعی و برابر دانستن مرد با عقل و زن با طبیعت را مطرح کردند. (علاسوند، ۱۳۹۳: ص ۲۳-۲۱) در متون دینی یهودیت و مسیحیت نیز عباراتی وجود دارد که به وضوح دال بر اعتقاد به کم‌ارزش بودن زن و نقص استعدادی او برای رسیدن به سعادت دارد. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ص ۳۴۱)

### تحلیل فلسفی مبدئیت توحید برای فضایل اخلاقی

بر اساس دیدگاه حکماء خداوند واجب‌الوجود من جمیع الجهات است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱: ص ۱۲۲) و همان‌گونه که خداوند مبدأ وجودی هر موجودی است، پس مبدأ هر کمالی نیز هست و هر کمال و فضیلتی که دیگران دارند از ذات خداوند ناشی می‌شود. توحید - که همان یکتا دانستن خداوند است - باوری قلبی است که با اختیار حاصل می‌شود و معرفت یکی از شرایط آن است و آثار و لوازم آن بینش‌ها خود را در گرایش‌ها و نهایتاً در رفتارهای انسان در عرصه‌های مختلف زندگی نشان می‌دهد. بنابراین آنچه موجب ارزش اخلاقی برای همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری انسان در عرصه‌های گوناگون زندگی انسان می‌شود، توحید است؛ و به عبارت دیگر اساس ارزش‌ها از منظر نظام اخلاقی اسلام یا ادیان



توحیدی به رابطه انسان با خدا برمی گردد؛ و ما از این امر، به منشأ بودن توحید برای ارزش های اخلاقی یا منشأ بودن آن برای فضائل اخلاقی تعبیر می کنیم. حداقل مراتب توحید، باور به توحید ذاتی، توحید در خالقیت و ربوبیت تکوینی و تشریحی و الوهیت است که در سطح گرایش، به التزام قلبی به پذیرفتن دستورهای خداوند متعال و در عمل، در سطح پرستش و توحید در عبادت ظاهر می شود.

اما توحید کامل مستلزم آن است که علاوه بر آن که در مرحله اعتقاد، هیچ کس را در جایگاه خداوند با او شریک نداند، در سطح گرایش، به هیچ چیز جز او گرایش استقلال‌ی نداشته باشد (توحید در محبت، خوف، رجا و ...) و در سطح عمل، مستقلاً جز از دستورهای او پیروی نکند و در عمل به هیچ یک از دستورهای او آنچه مورد رضایت اوست، هیچ کوتاهی نکند. بنابراین منشأ تمام فضایل اخلاقی مرتبط با خانواده توحید می باشد و انجام این فضایل در حقیقت نشانه‌ای از وجود ایمان و تقوا و روح عبودیت در شخص می باشد.

اثبات مبدئیت توحید برای فضایل اخلاقی نیازمند مقدماتی می باشد که به برخی از آن‌ها اشاره می شود:

۱. انسان فطرتاً حب به ذات دارد و همین حب به ذات منشأ حب به کمال است. (خمینی، ۱۳۷۷: ص ۲۹۸-۲۹۷)
۲. بر اساس اصالت وجود، منفعت وجودی انسان را «کمال» می نامند؛ زیرا وجود در مقابل عدم کمال می باشد. (ابن سینا، ۱۳۷۵، «ب»: ص ۲۲-۲۱)
۳. دست یابی به مراتب کمال اختیاری برای انسان امکان دارد و انسان با رفتارهای اختیاری خویش قادر است که به آن مراتب وصول پیدا کند. (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ص ۴۲)
۴. بر اساس اصل علیت، رفتارهای اختیاری انسان همانند سایر پدیده‌های دیگر نتایج واقعی دارند. (مصباح، ۱۳۸۷: ص ۵۷)
۵. بر اساس اصل ضرورت علی - معلولی میان رفتارهای اختیاری انسان، با نتایج‌شان یک رابطه ضروری و علی وجود دارد. (همان)





۶. بر اساس اصل سنخیت میان علت و معلول مناسبت خاصی وجود دارد؛ (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲: ص ۶۸)
۷. بنابراین رفتارهای انسان در مقایسه با پیامدهایی که برای انسان دارند یا سودمند هستند، یا مضر یا بی‌اثر. (مصباح، ۱۳۸۷: ص ۵۷)
۸. از آنجایی که انسان منافعش برایش مطلوب است، رفتارهای سودمند مطلوب و رفتارهای مضر، ضد مطلوب هستند و رفتارهای بی‌اثر نه مطلوب هستند نه ضد مطلوب. (همان)
۹. از سوی دیگر موجود منحصر در موجود مادی و محسوس نیست، بلکه موجودات فرامادی وجود دارند. (ابن سینا، ۱۳۷۵، «الف»، ج ۳: ص ۹-۲)
۱۰. انسان موجودی دو ساحتی است که علاوه بر جوهر جسمانی که بدن نامیده می‌شود، واقعیتی دیگر بنام نفس یا روح دارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۸: ص ۳۳۰)
۱۱. روح انسان امری مجرد است. (همان: ص ۳۴۷)
۱۲. انسانیت انسان به همین ساحت غیرمادی است و همه حالات روانی از جمله علم و ادراک نیز به همین ساحت نسبت داده می‌شود. (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۶۷)
۱۳. ملاک تشخیص کمال حقیقی و واقعی نزدیک بودن به کمال مطلق است. (همان: ص ۱۷۷)
۱۴. مصداق کمال مطلق خداوند متعال است. کمال مطلق بودن خداوند اقتضاء می‌کند که خداوند در تمام مراتب ذات، صفات و افعال یگانه باشد؛ یعنی توحید ذاتی، صفاتی، افعالی. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱م، ج ۱: ص ۱۲۲)
- نتیجه: معیار کمال اختیاری انسان، قرب اختیاری به خداوند متعال است.
- توضیح مطلب آن که انسان موجودی کمال طلب است و کمال برای انسان مطلوبیت دارد. از سوی دیگر ملاک تشخیص کمال حقیقی و واقعی نزدیکی آن با



کمال مطلق است. همان‌طور که اگر بخواهیم رنگ‌ها را بر اساس روشنی تقسیم کنیم، بر اساس نزدیکی به رنگ سفید که روشن‌ترین رنگ است می‌سنجیم. بنابراین ملاک کمال بودن، نزدیکی و قرب به کمال مطلق است. از آنجایی که هستی کامل و مطلق تنها خداوند متعال است؛ پس تکمیل نفس و سیر کردن به سوی کمال انسانی تنها از طریق قرب الهی امکان‌پذیر خواهد بود. پس لازم است انسان خود را به خداوند نزدیک کند، تا از فیوضات و الطاف و توجهات او استفاده کرده و در نتیجه قرب حقیقی که با تزکیه از صفات رذیله و حجاب‌های ظلمانی حاصل می‌شود، خود را به مراحل کمال برساند.

به عبارت دیگر خداوند واجب‌الوجود من جمیع الجهات است و همان‌گونه که خداوند مبدأ وجودی هر موجودی است، پس مبدأ هر کمالی نیز هست و هر کمال و فضیلتی که دیگران دارند از ذات خداوند ناشی می‌شود. زیرا اگر مبدأ آن خدا نباشد لازم می‌آید که مبدأ کمال موجود واحدی نباشد. با این اوصاف ملاک فضایل، کمال است. و از آنجایی که خداوند متعال کمال مطلق است، ملاک ارزش‌گذاری فضایل اخلاقی از جمله فضایل خانوادگی توحید می‌باشد.

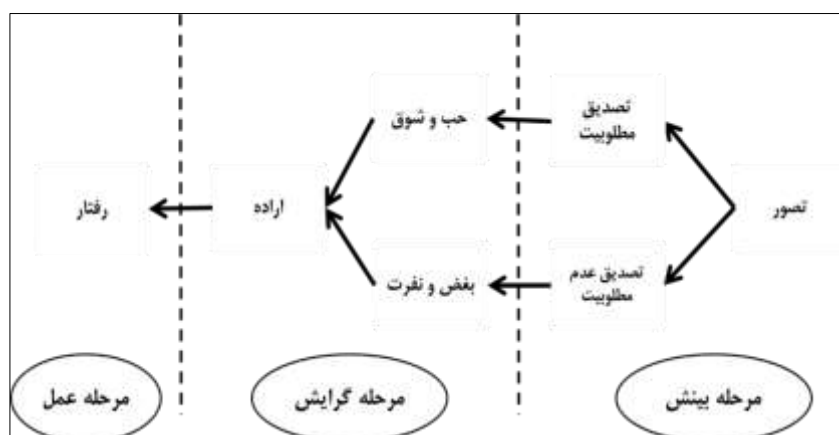
مجموعه ساحت‌های اختیاری انسان که تحت داوری‌های اخلاقی قرار می‌گیرد در سه ساحت بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارها دسته‌بندی می‌شوند. بینش‌ها آن ساحت از نفس است که به کشف حقایق می‌پردازد. در بعد بینشی لازم است که ما خوبی و بدی کارها را بشناسیم تا بتوانیم انتخاب معقولی داشته باشیم. اما شناخت خوبی و بدی کارها در گرو شناخت کمال واقعی و نهایی انسان است.

از طرف دیگر در جهان‌بینی توحیدی شناخت کمال واقعی انسان مستلزم شناخت مبدأ، معاد و رابطه دنیا و آخرت است؛ زیرا انسانی که علم به استقلال یا وابسته بودن خود و دیگر موجودات به آفریدگار ندارد، نمی‌تواند در مورد وجود خود و جهان هستی و هم‌چنین کمال واقعی و نهایی خویش قضاوت واقعی و درستی داشته باشد.

اعتقاد و علم به معاد و ارتباط دنیا با آخرت نیز نقش مهمی در جاودانگی ارزش‌های



اخلاقی دارد و با اعتقاد به معاد، کمال انسانی فراتر از لذایذ دنیوی خواهد بود و حتی در مواردی انسان برای کسب کمالات اخروی، لذایذ دنیوی زودگذر و فانی را فدای لذایذ برتر و پایدار اخروی می‌کند. (رجبی، ۱۳۸۰: ص ۱۹۷) اما شناخت‌ها به تنهایی نمی‌توانند انسان را به تصمیم یا حرکت وادارند؛ بلکه علاوه بر عناصر معرفتی و شناختی، امیال و گرایش‌ها هستند که انسان را برای انجام فعل به تکاپو می‌اندازند. بنابراین این گرایش‌ها سبب اراده می‌شوند و با آمدن اراده، علت تامه می‌شود و فعل تحقق پیدا می‌کند. (همان: ص ۲۰۴). بالاخره رفتارها نیز ساحتی از نفس است که بینش‌ها و گرایش‌های انسان در آن ظهور و نمود پیدا می‌کند. بنابراین از آن‌جایی که منشأ همه کمالات توحید است، فقط آن دسته از بینش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای اختیاری انسان که منشأ توحیدی دارند، فضیلت به حساب می‌آیند.



توضیح مطلب آن‌که هر معرفت و بینشی که برای انسان حاصل می‌شود، متعلق آن یا ملائم با وجود انسان هست که در این صورت انسان با درک ملائمت، مطلوبیت آنرا تصدیق می‌کند؛ یا ملائم با وجود انسان نیست که در این صورت انسان با درک عدم ملائمت؛ عدم مطلوبیت آنرا تصدیق می‌کند. در حالت اول برای انسان شوق و حب ایجاد می‌شود و در حالت دوم نفرت و بغض حاصل می‌شود. (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، «الف»، ج ۳: ص ۳۶۱-۳۵۹) از سوی دیگر خداوند



کمال مطلق است؛ پس با علم و معرفت به خداوند که کمال مطلق است و هم چنین خالی بودن قلب انسان از هواهای نفسانی، انسان شدیدترین حب را نسبت به خداوند خواهد داشت. بنابراین ایمان و باور به این که تنها موجود مستقل خداوند متعال است و منشأ همه کمالات اوست، سبب می شود عقربه دل انسان فقط به سمت ساحت ربوبی او بچرخد و انسان تنها او را استقلالاً دوست داشته باشد و همین حب به خدا، منشأ حب به مخلوقات خداوند نیز می باشد؛ زیرا مخلوقات از آثار وجودی خداوند می باشند و حب به وجودی، حب به آثار آن وجود نیز می باشد. از سوی دیگر همین حب منشأ رفتار متناسب با خود می شود. امیرالمؤمنین می فرماید: بدان که هر ظاهری، باطنی متناسب با خود دارد، آن چه ظاهرش پاکیزه، باطن آن نیز پاک و پاکیزه است و آن چه ظاهرش پلید، باطن آن نیز پلید است. (سید رضی، ۱۳۸۱: ص ۲۰۳)



### ۱- تبیین نقش توحید در فضایل بینشی مرتبط با خانواده

در جهان بینی توحیدی انسان، خلیفه و جانشین خداوند در زمین؛ (بقره: ۳۰)، موجودی با ظرفیت های علمی عظیم؛ (بقره: ۳۳-۳۱) دارای فطرتی خدا آشنا؛ (اعراف: ۱۷۲)، ترکیبی از جنبه ملکوتی و مادی؛ (سجده: ۹-۷)، موجودی برگزیده؛ (طه: ۱۲۲) با شخصیتی مستقل، آزاد، انتخاب گر و امانت دار خداوند؛ (احزاب: ۷۲)، مُلهم به خیر و شر؛ (شمس: ۹-۸) برخوردار از کرامت و شرافت ذاتی؛ (اسراء: ۷۰)، دارای حق استفاده مشروع از نعمت های خداوند؛ (بقره: ۲۹) و در برابر خداوند دارای وظایف و تکالیف است؛ (ذاریات: ۵۶) (مطهری، ۱۳۹۰، «الف»، ج ۲: ص ۲۶۷-۲۷۳) در این نگاه اگرچه ماده اولیه انسان از خاک بوده: ﴿وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ﴾؛ و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد» (سجده: ۷) اما با تکامل به مرتبه ای رسیده که دارای جنبه استثنایی گشته و آن همان برخورداری از «نفخه ربّانی» و





روحی خدایی است: ﴿وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ﴾؛ و از روح خویش در او دمید» (سجده: ۹) این همان مرتبه‌ای است که خداوند از آن به آفرینش دیگر و خلقت برتر تعبیر کرده و خود را به عنوان بهترین آفریدگار تحسین نموده است. (مؤمنون: ۱۴) بر این اساس انسان گل سرسبد عالم آفرینش بوده و اشرف مخلوقات است. خداوند متعال نیز علاوه بر هدایت تکوینی که شامل همه موجودات می‌شود، انسان را به صورت تشریحی هم هدایت می‌کند تا عملاً انسان را به سمت هدف مقصود از آفرینش هدایت کند: ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن‌را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند». (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹) (مصباح یزدی و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۱۵۵-۱۵۳) بنابراین جهان‌بینی توحیدی مستلزم آن است که انسان خود را مخلوق و آفریده خداوند متعال بداند و هیچ شأن مستقلی برای خودش قائل نباشد. بر این اساس انسان با چنین بینشی هویتی از اوایی و به اوایی دارد که تصور هر گونه کمالی برای انسان فقط در همین راستا متصور است و هر گونه تصور استقلالی در حقیقت خروج از هویت و حقیقت انسانی است. (رجبی، ۱۳۸۰: ص ۸۱) بنابراین توحید مستلزم آن است که انسان ضمن اعتقاد به اشرف مخلوقات بودن خودش، باور به عین‌الربط بودن وجودش داشته باشد که هیچ شأن مستقلی جز ارتباط با رب العالمین ندارد. بر این اساس هر گونه اعتقاد استقلالی به انسان نفی می‌شود.

از طرف دیگر تأمین نیازها و هم‌چنین تکامل و رسیدن به ارزش‌های والا، انسان را به زندگی اجتماعی سوق می‌دهد و انسان‌ها با درک متقابلی که از یکدیگر دارند سعی می‌کنند در کنار یکدیگر زندگی کنند و همین زندگی اشتراکی سبب پیوند خوردن سرنوشت انسان‌ها به یکدیگر می‌شود و همین امر زمینه تکامل و شکوفایی بسیاری از استعدادهای انسانی را فراهم می‌کند. اولین نهاد اجتماعی که بشر با آن آشنا می‌شود و نقش مهمی در تکون شخصیت و تکامل روحی انسان دارد، خانواده

است. اما از آن جایی که بارزترین نمود خودخواهی و خودپرستی انسان در روابط با دیگران به ظهور می‌رسد، به همین خاطر انسان برای مواجهه و ارتباط با دیگران، نیاز به دستورات و راهنمایی‌های اخلاقی دارد تا در پرتو این دستورات اخلاقی بتواند ضمن برقراری ارتباط صحیح و سالم اجتماعی با دیگران، به کمال مدنظر خویش نیز برسد. نگاه توحیدی به روابط اجتماعی انسان اقتضاء می‌کند، روابط انسان‌هایی که از جهت مبدأ، خلقت، غایت، و قابلیت‌های انسانی و... مشترک و همه مخلوق خداوند هستند بر اساس کرامت انسانی شکل بگیرد. بنابراین هرگونه نگاه غیر کرامت‌آمیز به انسان مخالف این نگرش است و با جهان‌بینی توحیدی منافات دارد. بر اساس بینش توحیدی همه انسان‌ها میوه یک درخت‌اند و هرگونه نگاه ابزاری و منفعت‌طلبانه منافات با این نگرش دارد و به همین خاطر انسان حق ندارد برای تأمین منافع خویش از دیگران بهره‌کشی کند و آن‌ها را استثمار کند.

بنابراین در نگاه توحیدی گوهر انسانی زن و مرد یکی است و هیچ کدام بر دیگری برتری جنسیتی ندارد و اگر زن یا مرد نسبت به هم برتری داشته باشند از جهات دیگر مثل تقوا و ایمان است. در جهان‌بینی توحیدی زن و مرد علیرغم تفاوت‌هایی که ممکن است از جهت طبیعی و خلقت داشته باشند، اما ویژگی‌های زیادی نیز وجود دارد که به نوعی در آن ویژگی‌ها تساوی و اتحاد دارند و همین ویژگی‌های مشترک می‌تواند مبین وظایف اخلاقی زن و مرد نسبت به یکدیگر باشد: زن و مرد در ارتباط با خالق؛ (روم: ۴۰)؛ در دمیده شدن روح الهی؛ (سجده: ۹)؛ در کاشته شدن بذره‌های معرفت در درون؛ (بقره: ۳۱) در کرامت ذاتی؛ (اسراء: ۷۰)؛ در مبدأ خلقت؛ (نساء: ۱)؛ در ماده اصلی خلقت؛ (حجر: ۳۶)؛ در ماهیت و مختصات انسانی از قبیل روح، عقل، عواطف و احساسات، وجدان و... مشترک هستند. (جعفری، ۱۳۹۰: ص ۳۴۲-۳۳۷).

بنابراین در کسب فضایل اخلاقی تفاوتی میان زنان و مردان وجود ندارد. البته درست است که وجود برخی تفاوت‌های بیولوژیکی و برخی خصوصیات روانی





ویژه، باعث حقوق و تکالیف مختص هست؛ اما با وجود این تفاوت‌ها زن و مرد حقیقتی مشترک به نام روح دارند. بنابراین، برخورداری زن و مرد از روح که حقیقتی مشترک میان تمام انسان‌ها است، سبب حقوق و تکالیف مشترک نیز هست. نتیجه آن که انسان چه زن باشد و چه مرد، در کسب فضایل اخلاقی مشترک هستند و از این جهت تفاوتی میان زن و مرد نیست و اساساً کسب فضایل مربوط به روح انسان است نه جسم.

علاوه بر این در تفکر توحیدی مقوله‌ای به نام «عبودیت» وجود دارد که جنسیت در آن راهی ندارد و این مقوله به رابطه انسان با خدا می‌پردازد و ابزار لازم برای این راه، حقیقت مجردی به نام روح است که اساساً فارق از جنسیت است و انسان به تعبیر قرآن چه مرد و چه زن با طی مدارج آن می‌تواند به حیات طیبه برسد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آن چه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.» (نحل: ۹۷) (طباطبایی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲: ص ۳۴۱) بنابراین حقیقت وجودی انسان روح انسان است و روح انسان فارغ از جنسیت است و این که در غرب سخن از جنسیت و برتری جنسیتی وجود دارد، همه ریشه در تفکرات غلط مادی‌گرایانه دارد که به انسان به چشم موجودی مادی همانند سایر موجودات می‌نگرد.

بر این اساس تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد ضمن آن که حکیمانه و هدفمند است، صرفاً جهت ایجاد ارتباط و انتظام جامعه انسانی می‌باشد و نمی‌تواند و نباید به عنوان نقص و کمال یا ملاک ارزش‌گذاری اخلاقی باشد. بنابراین در نگاه توحیدی با توجه به این جهات مشترک، زن و مرد ارزش اخلاقی برابر دارند و به همین خاطر نسبت به هم وظایف و تکالیف اخلاقی متقابل دارند. بر این اساس توحید خالص مستلزم آن است که در سطح بینشی زن و مرد هر دو مخلوق خدای واحد هستند و

هیچ کدام نباید خود را برتر از دیگری بدانند. به عبارت دیگر زن و مرد میوه یک درخت‌اند و روابطشان در خانواده باید بر اساس کرامت انسانی شکل بگیرد و هرگونه نگاه غیر کرامت‌آمیز، ابزاری و منفعت‌طلبانه به همدیگر منافات با نگرش توحیدی دارد.

## ۲- تبیین نقش توحید در فضایل گرایشی مرتبط با خانواده

در فضایل بینشی بیان شد که زن و مرد بر اساس نگاه توحیدی ارزش اخلاقی برابر دارند، اما همین مقدار برای تحکیم بنیان خانواده کافی نیست؛ بلکه علاوه بر نگرش فوق، زن و مرد باید نسبت به هم گرایش و کشش هم داشته باشند. البته در ساختار وجودی زن و مرد مسائلی مثل قوای جنسی و... وجود دارد که می‌تواند سبب گرایش این دو به هم شود؛ ولی این نوع گرایش‌ها معمولاً پایدار نیستند و بعد از مدتی افول می‌کنند و زمینه برای متلاشی شدن خانواده فراهم می‌شود. اما در جهان بینی توحیدی کشش و گرایش میان زن و مرد به گونه‌ای است که قابل زوال نیست. توضیح مطلب آن که بر اساس مبانی حکمت متعالیه کشش و اشتیاق میان تمام ذرات هستی وجود دارد. این کشش و میل در گیاهان و نباتات به شکل جذب و دفع است، در حیوانات تربیت نشده به شکل شهوت و غضب است، اما در میان حیوانات تربیت شده و انسان‌های تربیت نیافته به صورت میل و نفرت است، ولی همین میل و نفرت با رشد و تکامل می‌تواند به صورت حب فی‌الله و بغض فی‌الله تجلی پیدا می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۴۵) محبت در اصطلاح یک جاذبه ادراکی است که در دل موجود ذی‌شعور، نسبت به چیزی که با وجود او ملائمتی و با تمایلات و خواسته‌های او تناسبی داشته باشد، پدید می‌آید. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، «الف»، ج ۱: ص ۳۱۵).

بنابراین فضیلت محبت از شئون توحید و از آثار آن است. بر اساس توحید ذاتی و صفاتی و افعالی همه موجودات از جمله انسان در اصل وجود، صفات و افعال







وابسته به خداوند متعال و مخلوق او هستند. هم‌چنین بر اساس توحید افعالی تمام شئون عالم از خالقیت و مالکیت گرفته تا ربوبیت و الوهیت همه مخصوص خداوند است. از طرف دیگر محبت زمانی برای انسان حاصل می‌شود که انسان کمالی را درک کند. بنابراین انسان با معرفت به خداوند و اسماء حسنائش، کمال مطلق بودن خداوند را درک می‌کند و همین امر زمینه فضیلت محبت را فراهم می‌کند و قلب انسان در صورت خالی بودن از اوهام و شهوات مملو از محبت الهی می‌شود. به عبارت دیگر انسان با معرفت به اسماء و صفات الهی در می‌یابد که همه اسباب محبت در ذات مقدس الهی جمع است و تنها اوست که محبوب حقیقی است.

از طرف دیگر همه انسان‌ها مخلوق خداوند متعال هستند، بر این اساس انسانی که حب به خدا دارد مخلوق و آفریده او را نیز دوست دارد. بنابراین مهم‌ترین عامل انسان دوستی و پروراندن عشق و محبت به انسان‌ها به صورت عام و عشق و محبت همسران و اعضای خانواده به همدیگر به طور خاص، توحید است. بنابراین تمام علاقه‌های يك انسان موحد و مؤمن به همسرش به خاطر نسبت و پیوندی است که همسرش با خداوند دارد و عشق به خداوند متعال توجیه‌کننده این حب خواهد بود. به همین خاطر در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند که محبت به زنان از اخلاق پیامبران است. یا در روایتی نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: هر اندازه بر ایمان بنده افزوده شود، محبتش به همسرش افزون‌تر می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ص ۳۲۰) کسانی که انگیزه تشکیل خانواده را فقط تأمین نیازهای جنسی می‌دانند در حقیقت انسان را بسان حیوانات وحشی و تربیت نیافته تنزل می‌دهند.

در حالی که بر اساس بینش توحیدی زن و مرد از یک گوهر خلق شده‌اند و هیچ امتیازی از جهت مبدأ قابلی آفرینش میان آن‌ها وجود ندارد. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾؛ اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. (اعراف: ۱۸۹) هدف اصلی از تشکیل خانواده نیز رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و پرورش انسان‌هایی

است که مسجود ملائکه باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۴۶) بر این اساس برخلاف تصور برخی که خیال می‌کنند عاملی که زوجین را به هم پیوند می‌دهد طمع و شهوت است، در دیدگاه توحیدی عامل وحدت زوجین مودت و رحمتی است که از طرف خداوند متعال به ایشان عنایت می‌شود: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾؛ و از نشانه‌های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید، و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. (روم: ۲۱) (مطهری، ۱۳۹۰، «ب»، ج ۱۹: ص ۱۸۳).

#### ۱-۲. فضایل گرایشی مشترک زوجین در خانواده

این محبت و مودت قلبی که به برکت توحید در دل زوجین ایجاد می‌شود به نوبه خود سبب ایجاد ملکات و حالاتی در زوجین می‌شود که سبب تقویت رابطه زوجین و استحکام نهاد خانواده می‌شود. از جمله ملکاتی که محبت میان زوجین ایجاد می‌کند، حلم و بردباری است. حلم ملکه‌ای است که در هنگام هیجان غضب آرامش نفس را حفظ می‌کند، به گونه‌ای که غضب به آسانی انسان را به حرکت درنیارود و ناملايمات او را زود آشفته و مضطرب نسازد. از آثار حلم، اضطراب و تشویش نداشتن در برابر حوادث هولناك و افراط و تعدی نکردن در مواقع مؤاخذة از مقصرین و کنترل اعمال و حرکات است. هم‌چنین از آثار حلم اظهار برتری و امتیاز نسبت به همدیگر نداشتن و سستی و مسامحه نکردن در حفظ و نگهداری آن‌چه که شرعاً و عقلاً حفظ آن واجب است. (نراقی، ۱۳۸۳، ج ۱: ص ۲۹۵) حسن خلق زوجین با همدیگر نیز از جمله ملکاتی است که محبت نقش مهمی در تکون و شکل‌گیری آن دارد.

حسن خلق باعث می‌شود معاشرت و آمیزش زن و مرد با همدیگر نیکو باشد. وجود این ملکه باعث می‌شود انسان صفات زشت و خوی‌های ناپسند از قبیل بدخلقی و بددهانی و... را از قلب خود دور کرده، و با صفات حمیده و اخلاق



پسندیده زینت دهد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ص ۳۷۳) صداقت از جمله ملکاتی است که نقش مهمی در اعتماد زوجین به هم دارد و منشأ آن هم محبت است. البته صداقت مصادیق زیادی دارد اما آنچه که در زندگی زناشویی لازم است یکی صداقت در قول است و از آن تعبیر به راستی می‌شود. مقصود این است که زن و شوهر به هم دروغ نگویند. مصداق دیگر صداقت فعلی است و مقصود وفاء به عهد و امانت‌داری است. منظور از امانت‌داری خیانت نکردن در تمام آن چیزهایی است که به عنوان ودیعه در اختیار انسان قرار دارد و مقصود از وفاء به عهد، احترام به تعهدات و عمل نمودن به پیمان‌ها، میثاق‌ها و وعده‌هایی است که زن و شوهر نسبت به همدیگر دارند. مصداق دیگر صداقت، صداقت در احساسات است که بر اساس آن احساسات زن و شوهر نسبت به هم نباید ساختگی باشد. وفاداری نقش مهمی در زندگی دارد و مقصود از وفاداری این است که زن و مرد در شادی‌ها و غم‌ها در کنار هم باشند و همواره یار و مددکار یکدیگر باشند.

### ۳- تبیین نقش توحید در فضایل رفتاری مرتبط با خانواده

همان‌گونه که بیان شد انسان‌ها جهات مشترک فراوانی دارند؛ از جمله اشتراک در مبدأ خلقت، اشتراک در کرامت و شرافت انسانی، تساوی در خلقت و... این جهات مشترک مقتضی آن است که انسان خود را برتر از دیگران نداند و همه انسان‌ها را آفریده خداوند متعال بداند. بر همین اساس اصل اولی در رفتار با دیگر انسان‌ها این است که انسان خود را به جای آن‌ها بگذارد و هر توقعی که از دیگران دارد، خودش برای دیگران انجام دهد. در روایتی شخصی به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و به حضرت گفت که کاری را به او بیاموزند که با انجام آن کار بهشتی شود.

حضرت در پاسخ فرمودند: آنچه را که دوست داری مردم نسبت به تو رفتار کنند تو نیز درباره مردم همان‌طور عمل کن، و آنچه را که میل نداری درباره تو



عمل کنند تو هم نسبت به مردم آن طور رفتار مکن. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ص ۱۴۶)

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت‌شان به امام حسن علیه السلام چه زیبا فرموده‌اند: در معاشرت با مردم خود را مقیاس و میزان قرار ده، هرچه برای خود می‌پسندی برای دیگران بخواه، و هرچه برای خود نمی‌پسندی برای دیگران نپسند. ستم مکن چنان که دوست نداری بر تو ستم کنند، احسان کن چنان که دوست داری احسانت کنند، آنچه از دیگران زشت شماری از خود هم زشت شمار، آنچه دوست داری با مردم کنی اگر با تو کردند نگران مباش، آنچه ندانی نگو و هر آنچه می‌دانی اظهار مکن، حرفی که نخواهی به تو گویند مگو. (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ص ۷۴) بنابراین انجام وظایف اخلاقی در قبال دیگران در حقیقت منشأ توحیدی دارد که بر اساس آن همه انسان‌ها از جهت انتساب به خداوند مورد تکریم و احترام قرار می‌گیرند. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَبِالْيَتَامَىٰ وَبِالْمَسْكِينِ وَبِالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَبِالْجَارِ الْجُنْبِ وَبِالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَإِيجِبُ مَنْ كَانَ مَخْتِلاً فُجُوراً﴾؛ و خدا را عبادت کنید، و چیزی را با او شریک مگردانید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و درباره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه نزدیک و دور و دوستان و در راه مانده و بردگان خود [نیکی کنید]، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد. (نساء: ۳۶)

علامه طباطبایی معتقد است که عبادت و بندگی خداوند همان توحید عملی است و احسان به مواردی که در آیه شریفه ذکر شده از مصادیق توحید عملی و عبودیت است. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ص ۳۵۳)

بر این اساس بر اساس فضایل بینشی در محیط خانواده زن و مرد ارزش اخلاقی برابر دارند و باید نسبت به یکدیگر نگاه کرامت‌آمیز و اخلاقی داشته باشند. هم‌چنین بر اساس فضایل گرایش محبت الهی بسان رشته‌ای است که می‌تواند همه انسان‌ها از جمله اعضای خانواده را به هم پیوند بزند. این بینش و این گرایش سبب می‌شود که



اعضای خانواده نسبت به هم وظایف و تکالیف خاصی داشته باشند و هر یک از زوجین در محیط خانه باید خود را به جای دیگری بگذارد و هر توعی که از همسرش دارد، خودش هم برای او انجام دهد و از این طریق نیازهای هم را برطرف کنند و زمینه را برای تعالی مادی و معنوی همدیگر فراهم کنند. در حقیقت پذیرش جهان‌بینی توحیدی و ربوبیت تشریحی خداوند متعال می‌تواند توجیه‌گر انجام تکالیف خانوادگی شود و انجام این تکالیف برای رضایت الهی، نشانه عبودیت و بندگی انسان به ساحت قدسی خداوند متعال است.

### ۱-۳. تکالیف اخلاقی زن در خانواده

در نگاه توحیدی زن یکی از ارکان مهم خانواده هست و شخصیت یک زن در شکل‌گیری و تربیت و ساخت خانواده و همچنین سعادت و شقاوت اعضای خانواده نقش بی‌بدیل و ممتازی هست. بنابراین برخلاف مکاتبی که نگاه جنسیتی و کالاگونه به نقش زن در محیط خانواده و اجتماع دارند، در نگاه توحیدی زن با مرد در تمام کرامات انسانی مشترک می‌باشد و به همین جهت و با توجه به خصوصیات زنانه که سرشار از محبت و عاطفه است، وظایف مهمی از قبیل مادری و همسری بر عهده زن قرار داده شده هست که انجام درست این وظایف می‌تواند به تکامل و سعادت دنیوی و اخروی افراد خانواده نیز منجر شود و انجام این وظایف در حقیقت ناشی از اعتقاد به توحید در الوهیت و باور به ربوبیت تشریحی خداوند متعال است. بنابراین با توجه به خصوصیات ارزشمندی مثل محبت و عاطفه که خداوند در نهاد زن قرار داده، حفظ آرامش خانواده و مدیریت و تنظیم امور داخلی و انجام کارهای منزل به عهده زن هست. زن به مقتضای طبیعت لطیف و احساسات جوشان خویش می‌تواند آسایش و آرامش برای سایر اعضای خانواده را تأمین کند.

به همین منظور حفظ حریم شوهر و خانواده از فضایل مهم مربوط به زنان است و زن باید زیبایی و جمال خویش را حریم شوهر بداند و به همین خاطر خود را نباید



در معرض دید بیگانه و نامحرم قرار دهد و علاوه بر حجاب و خودداری از آرایش در منظر نامحرم، باید بیگانه را از صدای لطیف و بوی عطر خویش نیز محروم سازد. هم‌چنین زن باید سرخوش و بانشاط باشد، به همین منظور پوشیدن لباس‌های شاد، زیبا، جذاب و متنوع، استفاده از زیورآلات، خوش‌زبانی و دلبری و هم‌چنین آرایش و خوش‌بو کردن خود برای شوهر از فضایل اخلاقی است که اسباب لذت و شادمانی را در محیط خانه فراهم می‌کند. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱۴: ص ۳۸۴-۳۹۲ و جباران، ۱۳۹۱: ص ۲۶۰-۲۶۲) البته برخی فضایل هم جنبه سلبی دارند و زن باید از آن‌ها اجتناب کند؛ رفتارهایی مثل ناسازگاری، آزار دادن شوهر، ناسپاسی، انتظارات بی‌جا، خودآرایی برای غیرشوهر، خیانت، عصبانی کردن شوهر، مکلف کردن شوهر به آن‌چه که در توان او نیست از جمله رفتارهای سلبی می‌باشد. (ری‌شهری، ۱۳۹۲: ص ۴۳۸-۴۴۹).

### ۲-۳. تکالیف اخلاقی مرد در خانواده

بر اساس نگاه توحیدی زن همانند مرد تمام مختصات انسانی را دارد و همین نگاه سبب می‌شود که مرد به زن به چشم یک نوکر یا زیردست ننگرد؛ بلکه او را انسانی همانند خود می‌داند و به همین خاطر در قبال زن و خانواده خویش احساس مسئولیت می‌کند و انجام این مسؤولیت‌ها می‌تواند هم به رشد خودش و هم به رشد اعضای خانواده کمک کند. مردها به دلیل برخورداری از توان و نیروی جسمی زیاد و هم‌چنین داشتن توان اقتصادی بیشتر نسبت به زنان، سرپرستی و مدیریت بیرونی و اقتصادی امور خانه بر عهده ایشان است. بر این اساس اداره امور مربوط به بیرون از خانه و سرپرستی خانواده و تصمیم‌گیری نسبت به امور مهمی از قبیل تربیت، تعلیم و ارشاد خانواده بر عهده مرد می‌باشد. (جباران، ۱۳۹۱: ص ۲۵۷)

البته این امر به معنای مردسالاری نیست و به خودی خود جنبه ارزشی ندارد و فضیلتی برای مرد محسوب نمی‌شود؛ بلکه از آن‌جایی که مرد در مسائل اقتصادی و



تلاش او برای تحصیل مال و تأمین نیازهای خانواده بیشتر است این مسئولیت به عهده مرد گذاشته شده و اگر برای رضایت الهی این مسئولیت را درست انجام دهد فضیلت محسوب می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۳۲۶)

بر این اساس ایجاد رفاه خانوادگی و تلاش برای آسایش و توسعه زندگی برای اهل و عیال و انفاق و خدمت به آنان از وظایف مهم اخلاقی مردان می‌باشد. (نیلی پور، ۱۳۹۰، ج ۱: ص ۵۰۳) البته مرد باید در مخارج زندگی اعتدال و میانه‌روی را حفظ کند و نباید به اهل خانواده در مخارج سخت بگیرد و از طرف دیگر اجازه اسراف نیز ندهد. در دستورات دینی سفارش شده که مرد در ایام خاصی مثل روز جمعه یا اعیادی مثل عید غدیر در معاش خانواده توسعه دهد و از تازه‌های بازار برای اهل خویش بخرد. یکی از وظایف مدیریتی مرد این است که همسر و خانواده خویش را از فساد و بی‌بندوباری حفظ کند و به عبارت دیگر باید غیرت داشته باشد.

قرآن هم روی این نکته تأکید دارد و نسبت به مؤمنین هشدار می‌دهد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسان‌تان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگ‌هاست حفظ کنید. (تحریم: ۶) البته نباید در غیرت افراط کرد؛ زیرا افراط در غیرت تباهی و بدگمانی زن را فراهم می‌کند.

بر این اساس مرد نباید بیش از حد سخت‌گیر و بدگمان باشد و بخواهد در همه کارهای همسر خویش تجسس کند، زیرا این مسئله زن را در بین مردم بدنام می‌کند و زمینه فساد او را فراهم می‌کند. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱۴: ۳۸۳-۳۷۴ و جباران، ۱۳۹۱: ص ۲۵۹-۲۵۸) برخی از فضایل نیز برای مرد جنبه سلبی دارند، رفتارهایی مثل آزار دادن همسر، کتک زدن، بدخویی، بخل، بی‌تدبیری، منت نهادن، تحقیر کردن، تنوع‌طلبی، غیرت ورزی نابجا از جمله این رفتارها می‌باشد. (ری‌شهری، ۱۳۹۲: ص ۴۳۷-۴۲۲).



### ۳-۳. تکالیف مشترک زن و مرد در خانواده

اما برخی از تکالیف هم وجود دارند که جنسیت نقشی در آنها ندارد و به عبارتی دیگر مشترک میان زن و مرد است و انجام این تکالیف نیز می‌تواند در تحکیم بنیان‌های خانواده مؤثر باشد و زمینه را برای رشد و تعالی افراد خانواده فراهم کند. تعامل‌های کلامی مناسب (گفتاری و شنیداری) از قبیل نیکویی و پسندیده‌گویی، فروتنانه و بزرگووارانه گفتن، منطقی و مستدل‌گویی، صداقت و راستگویی، گفتار نرم و لطیف، حق‌گویی، آهسته و آرام‌گویی و... از جمله فضایل رفتاری گفتاری در ارتباط همسران با یکدیگر می‌باشد. (شرف‌الدین، ۱۳۹۶: ص ۲۲۲-۲۲۰). هم‌چنین توجه و نیکوگوش‌دادن، عدم قطع سخن طرف مقابل، از فضایل رفتاری شنیداری می‌باشد. (حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ص ۳۶۸-۳۶۵).

تغافل و خود را بی‌خبر وانمودن به گونه‌ای که طرف مقابل گمان کند که انسان از آن گناه مطلع نشده. (آقاجمال خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳: ص ۳۱۵)، احترام متقابل، آراستگی، رفق و مدارا، توجه و تأمین نیاز جنسی همسر، انصاف، تواضع، عذرپذیری از یکدیگر، گشاده‌رویی، کتمان اسرار خانواده، صمیمیت و خودمانی بودن اما در عین حال با رعایت ادب و نزاکت، دادن هدیه و اظهار محبت و علاقه و هم‌چنین تأکید بر وفاداری به مناسبت‌های مختلف مثل جشن تولد، سالگرد ازدواج و... به همسر می‌تواند نقش مهمی در تحکیم خانواده داشته باشد. (تهرانی، ۱۳۹۲، ج ۱۴: ص ۳۷۴-۳۴۴)





## نتیجه گیری

از آن جایی که اساس ارزش ها به رابطه انسان با خدا برمی گردد؛ بدین ترتیب، می توان گفت آن چه موجب ارزش اخلاقی برای همه صفات اکتسابی و رفتارهای اختیاری انسان در عرصه های گوناگون زندگی انسان می شود، توحید است؛ و ما از این امر، به منشأ بودن توحید برای فضائل اخلاقی تعبیر می کنیم. بر این اساس هر اعتقاد منافی با باور توحیدی و هر گرایش مخالف با گرایش خالص به توحید و هر گونه عمل برخلاف خواسته و رضایت خداوند، مستلزم نقص در توحید است. بر اساس جهان بینی توحیدی خانواده اولین نهادی است که انسان مسیر الی الله را طی می کند و از حصار منیت و خودپرستی خرج می شود و به همین خاطر خانواده نهادی اخلاقی است.

بنابراین روابط افراد خانواده باید بر اساس توحید شکل بگیرد. بر این اساس از آنجایی که زن و مرد در گوهر انسانی و ارتباط با خالق مساوی هستند پس هیچ کدام بر دیگری برتری ارزشی ندارد و همین مسئله سبب می شود در روابط با یکدیگر کرامت انسانی همدیگر را نقض نکنند. هم چنین حب به خداوند مستلزم حب به مخلوقات خداوند نیز می باشد؛ بنابراین از آثار توحید، محبت زوجین به همدیگر است و این اصل نقش زیادی در تحکیم خانواده دارد. بنابراین وظایف اخلاقی افراد در خانواده باید بر اساس همین بینش توحیدی و بر پایه محبت الهی شکل بگیرد و اعضای خانواده با انجام این تکالیف در حقیقت بندگی و مملو کیت خود را برای خداوند اثبات می کنند و همین امر زمینه تعالی اخلاقی ایشان را فراهم می کند. بنابراین بر اساس نگاه توحیدی انجام این وظایف و تکالیف برای رضای خدا دال بر وجود ایمان و تقوا در وجود شخص می باشد و به همین خاطر انجام این تکالیف عبادت محسوب می شود.



## کتابنامه

❖ قرآن کریم با ترجمه مهدی فولادوند.

۱. ابن سینا، (۱۳۷۵)، *الاشارات و التنبیها*، «الف»، شرح خواجه نصیرالدین طوسی، قم، نشر البلاغه.
۲. — (۱۳۷۵)، *النفس من کتاب شفاء*، (ب)، تصحیح حسن حسن‌زاده، قم، مرکز النشر لمکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی، (۱۳۶۲)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۴. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، (۱۳۶۶)، *شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، چ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
۵. تهرانی، مجتبی، (۱۳۹۲)، *اخلاق الاهی*، ج ۱۴، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. جباران، محمدرضا، (۱۳۹۱)، *درسنامه علم اخلاق (۱)*، چ یازدهم، قم، مرکز نشر هاجر.
۷. جعفری، محمدتقی، (۱۳۹۰)، *حقوق جهانی بشر*، چ پنجم، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۹)، *زن در آینه جلال و جمال*، چ بیست و یکم، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. حسین‌زاده، علی محمد، (۱۳۹۴)، *اخلاق گفتگو*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۷)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۱. رجبی، محمود، (۱۳۸۰)، *انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.



۱۲. رضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۱)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، چ چهارم، قم، مؤسسه فرهنگی امیرالمؤمنین.
۱۳. شرف‌الدین، سید حسین، (۱۳۹۶)، *ارزش‌های اجتماعی از منظر قرآن کریم*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱م)، *الاسفار الاربعه*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۰۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. علاسوند، فریبا، (۱۳۹۳)، «جایگاه ارزشی زن»، *دانشنامه فاطمی*، ج ۴، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۹. —، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، چ دوم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۹۲)، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ هشتم، قم، دارالحدیث.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی و همکاران، (۱۳۹۱)، *فلسفه تعلیم و تربیت*، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۷، *آموزش فلسفه*، چ هشتم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۲۳. —، (۱۳۸۸)، *مشکات (اخلاق در قرآن)*، «الف»، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.



۲۴. — (۱۳۸۸)، مشکات (پرسش‌ها و پاسخ‌ها)، «ب»، ج ۵، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۵. — (۱۳۸۷)، مشکات (خودشناسی برای خودسازی - به سوی خودسازی)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۶. مصباح، مجتبی، (۱۳۸۷)، بنیاد اخلاق، چ دهم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، «الف»، ج ۲، چ نوزدهم، تهران، صدرا.
۲۸. — (۱۳۹۰)، مجموعه آثار، «ب»، ج ۱۹، چ دهم، تهران، صدرا.
۲۹. نراقی، محمد مهدی، (۱۳۸۳)، جامع السعادات، تصحیح سید محمد کلانتر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳۰. نیلی پور، مهدی، (۱۳۹۰)، بهشت اخلاق، اصفهان، مرغ سلیمان.



Bibliography:

Holy Quran.

1. Aghajamal Khansari, Mohammad bin Hossein, (1366AD), *Description of Aghajal Khansari on Gharolhakam and Dar al-Kalam*, Correction by Jalaluddin Hosseini Ermoumudes, 4th Ch., Tehran, Tehran University.
2. Alasvand, Fariba, (1393AD), "*The Values of Woman*", Fatemeh Encyclopedia, Vol. 4, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thoughts Publications.
3. Hosseinzadeh, Ali Mohammad, (1394AD), *Ethics of Dialogue*, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought Publications.
4. Ibn Shaba'ah, Hassan ibn Ali, (1362AD), *Mutafiqul al-al-Rasul*, correction by Ali Akbar Ghaffari, Q II, Qom, Islamic Publishing Institute.
5. Ibn Sina, (1375AD), *My Self-Healing Book*, (b), Corrected by Hassan Hasanzadeh, Qom, Al-Islam Al-Islami Center for Linguistics.
6. Ibn Sina, (1375AD), *Al-Asharat and Al-Tabatih*, "A", Description of Khawaja Nasir al-Din Tusi, Qom, Nashr al-Balagha.
7. Jabarban, Mohammad Reza (1391AD), *Ethics Science Bulletin* (1), Ch eleventh, Qom, Hajar Publishing Center.
8. Jafari, Mohammad Taghi, (1390AD), *Human Rights*, Fifth, Tehran, Institute for Compilation and Publication of Allameh Jafari's Works.
9. Javadi Amlī, Abdullah, (1389AD), *Woman in the Mirror of Jalal and Jamal*, Q21, Qom, Esra'a Publishing Center.
10. Khomeini, Ruhollah, (1377AD), *Description of the Hadith of Reason and Ignorance*, Tehran, Institute of Regulation and Publication of Imam Khomeini's Works.
11. Klein, Muhammad ibn Ya'qub ibn Ishaq, (1407 AH), *Al-Kafi*, correction of Ali Akbar Ghaffari and Mohammad Akhondi, 4th Ch, Tehran, Islamic Dar al-Kutab.
12. Majlesi, Mohammad Baqir, (1404 AH), *Marya al-Aqul Fay Description of Al-Rasoul News*, Second Ch., Tehran, Dar-ul-Islam Al-Islam.
13. Majlesi, Mohammad Baqir, (1403 AH), *Bihar al-Anwar*, Ch II, Beirut, Dar al-Thariyat al-Arabi.
14. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi et al., (1391AD), *Philosophy of Education*, Second Qom, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
15. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1387AD), *Meshkat (Self-Knowledge for Self-Toward Self-Improvement)*, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
16. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1388AD), *Meshkat (Ethics in the Quran)*, "A", Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
17. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1388AD), *Mishkat (Questions and Answers)*, "B", Vol. 5, 4th Qom, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
18. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, (1377AD), *Philosophy Education*, Eighth, Tehran, International Publishing Company.

19. Mesbah, Mojtaba, (1387AD), *Ethics Foundation*, Q10, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
20. Mohammadi Reyshahri, Mohammad, (1392AD), *Family Consolidation from the View of the Quran and Hadith*, translated by Hamid Reza Sheikh, Q8, Qom, Dar al-Hadith.
21. Motahhari, Morteza, (1390AD), *Collection of Works*, "A", Vol. 2, Ch 19th, Tehran, Sadra.
22. Motahhari, Morteza, (1390AD), *Collection of Works*, "B", Vol. 19, Ch. 10, Tehran, Sadra.
23. Naraghi, Mohammad Mehdi, (1383AD), *Jama'at al-Sadat*, Correction by Seyyed Mohammad Kalantar, Qom, Ismaili Press Institute.
24. Nilipour, Mehdi, (1390AD), *Paradise of Ethics*, Isfahan, Chicken Solomon.
25. Rajabi, Mahmoud, (1380AD), *Anthropology*, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute.
26. Razi, Mohammad bin Hossein, (1381AD), *Nahj al-Balagha*, Translated by Mohammad Dashti, Ch Fourth, Qom, Amir Al-Momenin Cultural Institute.
27. Sadr al-Din Shirazi, Mohammad bin Ibrahim, (1981), *al-Safar al-Arba*, Ch II, Beirut, Dar Ehyat al-Rath al-Arabi.
28. Sharaf al-Din, Seyyed Hossein, (1396AD), *Social Values from the Perspective of the Holy Quran*, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought Publications.
29. Tabatabai, Mohammad Hussein (1403 AH), *al-Mizan al-Tafsir al-Qur'an*, Ch Fifth, Beirut, Al-Ilami Institute of Publications.
30. Tehrani, Mojtaba, (1392AD), *Divine Ethics*, Vol. 14, Tehran, Institute of Islamic Culture and Thought Publications.